

بین اطلاع‌رسانی و شایعه

حادثه غریبی در تاریخ ۱۲ و ۱۳ فروردین سال ۱۳۹۰ برای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی اتفاق افتاد که از جهات عدیده‌ای قابل تامل است و آن این بود که ظاهراً فردی که هیچگونه مسئولیتی در امر برنامه‌ریزی در این حوزه را نداشته است به طنز نکته‌ای را مطرح می‌کند و آن این که نام کتابداری و اطلاع‌رسانی در بین نام‌های دیگر اگر به مهندسی ناوبری اطلاعات تغییر کند چه می‌شود. این سخن طنز آلود توسط افراد نقل می‌شود آنگاه ناگهان خبرگزاری از راه می‌رسد و در زمان کمبود خبر؛ یعنی تعطیلی روزهای ۱۲ و ۱۳ آن را می‌رباید، سوژه می‌کند و به سرعت تداول عام پیدا می‌کند تا به عنوان جنجالی‌ترین خبر در این حوزه و شاید بیرون حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بدل می‌شود. آنقدر این شایعه جدی می‌شود که در مطبوعات و زیرنویس برخی از شبکه‌های سیما قرار می‌گیرد و به عنوان خبری جدی اعلام می‌کنند که نام رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی تغییر یافت؛ عده‌ای خوشحال که بالاخره کتابدارن مهندس شوند و عده‌ای به زبان تمسخر از اژدر افکن اطلاعات و الفاظی مشابه آن را به حوزه نظامی و جنگ بردند. این خبر و یا بهتر بگوییم شایعه مرا به یاد مثلی سر تا پا دروغ انداخت که کسی روایت کرد حسن و حسین هر سه دختران معاویه‌اند. در پاسخ گفتند حسن نه و حسن، حسین نه و حسین، هر سه، نه و هر دو، دختر نه و پسر، معاویه نه و علی و تازه این خبر از بیخ و بن دروغ است. ظهور این شایعه و سرعت چرخش آن در محافل داخل و خارج حوزه کتابداری تا تبدیل آن به یک خبر بزرگ ملی می‌طلبد که نکاتی چند درباره آن مطرح شود.

۱- بنای اطلاع‌رسانی و کتابداری بر این است که اطلاعات دقیق و درست را از مبدا و خاستگاه صحیح و مستند اخذ و به افراد علاقمند مورد نظر برساند. اکنون سوال این است که چگونه می‌شود که در این حوزه‌ای که

خود مدعی چنین رسالتی است چنین شایعه‌ای از منبع غیر موثق صادر شده و به این سرعت انتشار یابد. چرا اطلاع‌رسانان و کتابداران که خود مدعی این امرند به قول معروف رو دست می‌خورند تحت تاثیر قرار می‌گیرند و چرا با سرعت با این شایعه برخورد نمی‌کنند تا آنکه قبل از شیوع موضوع در نطفه خفه شود تا این چنین تداول عام نیابد. گویند بیش از ۱۲ میلیون ارجاع داشته است. البته وجود زمینه در این امر خود به گسترش شایعه دامن زده است. کتابداران اغلب از نام خود راضی نیستند و با آنکه کتاب و کتابخانه دو امر مقدسی است و مورد احترام ولی لفظ کتابدار - مدعیان آن را ارضا نمی‌کند که خود جای بحث دارد و بحث آن هم فراوان شده است.

۲- طنز امر بدی نیست بلکه بسیار هم خوب است و به ویژه در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی که به ظاهر همیشه با امور جدی سر و کار داد اهمیت بیشتری می‌یابد. اما چرا طنز نویسان نباید گفتار و یا اشکال طنز خود را در قالب خاص، در صفحه و ستون خاصی بنویسند تا جلوی هر گونه سوء استفاده را بگیرند.

۳- اینکه نظام خبرگزاری ما این چنین تشنه‌ی خبر است و یا موجودیت و هویت خود را در خبرسازی، مشغول کردن ذهن و فکر مردم بداند جای سوال و تاسف دارد. خبر همچون اطلاعات خوراک فکری انسان‌ها است خبر غیر از شایعه است. اینکه مردم در اولین برخوردها به هم می‌گویند چه خبر! دنبال شایعات نیستند بلکه اخبار واقعی را طلب می‌کنند. بنابر این خبر غیر از شایعه است و نظام خبرگزاری ما باید دنبال کسب حقایق و واقعیات و انعکاس به موقع و به مورد آن‌ها باشد. آن‌ها نباید قصد تشویش اذهان را داشته باشند و این نکته قابل توجهی است خبر در اغلب موارد همان علم و آگاهی است و به قول مولوی:

چيست آدم جز خبر در اندرون هرگز افزون خبر جانس فزون البته در اين زمينه گفتنی است که بر حسب آنچه شنیده‌ام می‌گویند کارآیی خبرنگاران و ارزیابی آنها با میزان مراجعات مردم به آن خبر سنجیده می‌شود که اگر چنین باشد بسیار قابل تامل است. این یک نگاه پوزیتویستی است که بخواهند براساس آمار - بدون توجه به صحت و سقم خبر و یا کیفیت آن - صرفاً تعداد مراجعان در نظر گرفته شود و شاید این یکی از محرک‌هایی باشد که بعضی از خبرنگاران فقط بدنبال سوژه هستند و دوست دارند آنچنان را آنچنان‌تر کنند تا به قول معروف خبرشان جذابیت بیشتری داشته باشد. بنظر می‌رسد خبرنگار باید بدنبال اخبار صحیح باشد همچنان که اطلاع‌رسانی در حوزه علمی را انجام می‌دهند. اگر چنین باشد آنگاه خبرنگار بجای فهم صحیح خبر، صرفاً شایعات را و یا طنزها را به عنوان خبر نمی‌گیرد همچنانکه این واقعه چنین شد و بسیاری را به زحمت انداخت.

۴- اینکه این خبر در راس خبرها قرار می‌گیرد بسیار جالب توجه است. چنین تصور می‌شد که اخبار رشته کتابداری فقط برای خودشان مطرح است و موضوع جالب برای دیگران نیست؛ اما این واقعه نشان دارد که جامعه بیرونی هم به نوعی به این امر توجه دارد و موضوع تغییر نام کتابداری نه تنها برای جامعه کتابدار- که بعضاً احساس خوبی نسبت به این نام ندارند بلکه برای جامعه هم مطرح است. شاید بتوان حتی تعبیر کرد که نظر به اهمیتی که جامعه برای کتابدار قائل است دوست دارد نام آن هم به نوعی تغییر کند تا ناظر بر هویت شغلی او باشد البته این نظر خوشبینانه است ممکن است نظر بدبینانه هم وجود داشته باشد و آن اینکه چون کسی برای کتابداری ارزش قائل نیست دوست دارد سوژه‌ای برای این موضوع بیاید. البته با این گسترش خبر و سرعت نقل این پیام تا رسیدن به صدا و سیمای کشور و مطبوعات این گمانه نقص می‌شود.

۵- این خبر در ایام تعطیلات ۱۳ و ۱۲ فروردین اتفاق می‌افتد که در آن امکان دسترسی برای کسب خبر برای علاقه‌مندان و نیز تصحیح و یا جلوگیری از پخش خبر برای متولیان میسر نبود و این باز از نکات جالب در حوزه خبرنگاری است که چرا باید چنین زمانی را انتخاب کند؟! آیا کمبود خبر در ایام تعطیل آن‌ها را برای این کار ترغیب کرده است و یا انگیزه‌ای دیگر در سر آن‌ها بوده است؛ که البته قابل بررسی است. جالب‌تر اینکه پس از ایام تعطیل وقتی از آن‌ها خواسته می‌شود که خبر کذب را تصحیح کند زیر بار نمی‌رود و آن را موکول به انجام مصاحبه اجباری می‌کنند. این عمل از خبرگزاری‌ها قابل تامل و تاسف است که اولاً چرا اخبار جعلی را منعکس می‌کنند و ثانیاً وقتی به آن‌ها اعتراض می‌شود آن را تصحیح نمی‌کنند.

۶- بعضی در نظام توجیه قضیه و یا به تعبیری ختم غائله که معلوم نشد برای توجیه کار طنزپرداز بود و یا اشتباه خبرگزاری آن را به «دروغ سیزده» ارجاع دادند که به نظر می‌رسد این خود عذری بدتر از گناه بود. آن‌هم اگر از ناحیه اطلاع‌رسانان باشد که مدعی رساندن اطلاعات درست‌اند. نه دروغ جانش است و نه سیزده روز نحسی است که بتوان چنین عمل خطایی را به یک برداشت خطای دیگر نسبت داد و اشتباه را مضاعف نمود.

۷- نکته جدی و اساسی در امر اطلاع‌رسانی و کتابداری توجه به استناد است. استناد محوری‌ترین بحث در این حوزه علمی و به ویژه در امر تحقیق است. تحقیق و پژوهش رابطه نزدیکی با حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد کتابداری رشته‌ای است که اطلاعات مستند را در اختیار متقاضیان قرار دهد و یا چنانچه مستند نیست، مستند کند. از اشاعه شایعه جلوگیری نماید. اطلاعات اگر پردازش می‌شود از مداخله حواشی جلوگیری کند؛ زیرا تکیه بر اقوال و نوشتار غیرمستند آفت بزرگ تحقیق است.

۸- البته تغییر نام برای حوزه کتابداری و اطلاع رسانی که اینجانب در مقالات خود و نیز در کتاب مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع رسانی مفصل آن را مورد بحث قرار داده‌ام امری جدی است؛ اما این نباید سبب شود که این تغییر نام به هر قیمت صورت گیرد. تغییر نام باید مدلل باشد و اقبالها به سوی نام جدید هم باید دلیل داشته باشد. هم پایه‌های نظری و فکری آن درست باشد و هم جامعه آن را بپذیرد. تغییر نام یا نشان از تغییر هویت دارد و یا باز تعریف آن و این هر دو باید مدنظر باشد.

۹- استفاده از واژه مهندسی نیز قابل توجه است. در اینکه امر مهندسی بسیار ارزشمند و مهندسان محترم و قابل احترام هستند؛ ولی همه چیز را با پیشوند و پسوند مهندسی قلمداد کردن موجب تخفیف علوم انسانی می‌شود. حتی در مهندسی فرهنگی هم که گفته‌اند مهندسی ناظر به محتوی امور فرهنگی نیست بلکه به حوزه‌های مدیریتی و اندازه کمی و کیفی حضور عناصر و عوامل فرهنگی توجه دارد که چگونه برنامه‌ریزان باید در مورد آن تصمیم بگیرند. علوم انسانی اگر به درستی تبیین شوند به اندازه‌ای مهم است و جاذبه دارد که نیازی به ذکر مهندسی نیست - اگر چه مهندسی با اندازه و مقدار سر و کار دارد که در آن هم کم و هم کیفیت مطرح است. در کتابداری و اطلاع رسانی هم، به کم و کیف هر دو توجه دارد؛ اما فقط با اعداد، خط‌کش و متر سر و کار ندارد. عوامل انسانی، روابط عاطفی، رفتارهای کاربران، توجه به گفتگوها و مصاحبه‌ها از جمله عواملی است که در این حوزه نقش آفرین است.

امید است که کتابداران و اطلاع‌رسانان از این پس بر اظهار نظرهای خود پیش از عرضه آن دقت بیشتری بکنند و بدانند اگر خود توجه نکنند دیگران صد در صد بر این امر بی توجه هستند و در نتیجه معلوم است دود آن در چشم چه کسی فرو می‌رود.